

اعلان سوم اسفند

علی ذوعلم

◀ آسیب‌شناسی نهاد روحانیت تنها در ارتباط با انقلاب اسلامی مطرح نشده است، بلکه می‌توان گفت از زمان شکل‌گیری طبقه‌ای موسوم به روحانیون یا علمای شیعی در ابتدای دوران غیبت کبری، بحث تأمل در راستی و درستی افراد و دستگاه‌های مربوط به تحقیق، تعلیم و تبلیغ علوم دینی مطرح بوده است. پیدایش احیای بزرگی چون شیخ طوسی، وحید بهبهانی و شیخ مرتضی انصاری نیز در راستای درست‌نگاه داشتن مشی اهالی علوم دین مورد توجه قرار می‌گیرد. اما در دوره‌های اخیر، جنبش تنبک‌و به رهبری میرزای بزرگ، پای روحانیت را به عرصه قدرت سیاسی کشانده و پس از قرن‌ها تقیه و تعطیل، اصلاحات بزرگ اجتماعی و سیاسی را در سرلوحه وظایف روحانیون شیعه قرار داد. از همین جا بود که قدرت سیاسی نامکشوف در مرجعیت و روحانیت شیعه بر قدرتهای استبدادی و استعماری آشکار گشت و حوزه‌های دینی مورد دسیسه آنها قرار گرفت. وقوع انقلاب مشروطیت موضوع روحانیت سیاسی شیعه را برای استعمارگران جدی‌تر ساخت و آنها را به هزار گونه نافرمدی وادار نمود تا ضربه خود را بر این نهاد کارساز و ریشه‌دار وارد سازند که البته در این راه موفق بودند و علاوه بر شهید مسموم و منزوی کردن زعمای بزرگ دینی، شور اصلاحگری و مجاهده را در میان روحانیون خاموش کرده و حوزه‌ها را به متارکه و انزوا کشانند. اما انقلاب اسلامی که مقدمات بسیاری برای تحقق آن صورت گرفته بود، جبران همه صدمات و لطامات پیشین بود و به قول حضرت امام(ره) فلسفه عملی تمامی فقه یعنی حکومت را برای روحانیون فراهم کرد.

روحانیت شیعه با تحمل سالیهای مرارت‌بار و پر از رنج و محنت و پریشانی، موفق به براندازی کامل و نهائی نظام ستم‌پیشه و وابسته شاهنشاهی گردید و با تکیه بر مبارزه عمومی مردم، نظام سیاسی مبتنی بر دیانت و فقاقت را پی‌افکنند و اکنون سومین دهه از روزگار حکومت ارزشمند اسلامی را پشت سر می‌گذارند.

ولی فتنه‌ها و دسیسه‌ها، کژرویها و کژاندیشیها، سایه به سایه انقلاب و پدیدآوردندگان آن، پیش آمده و تا هم‌اکنون نیز پیرامون آن را فراگرفته است و راحتی خیال در عصر زمامداری بیم آن را به وجود آورده است که ای‌بسا فرصتی برای دشمنان ایجاد کند تا ضربه‌ای فرود آورند. در عالم ورزش، قدرت با سلامت عجین است اما در دنیای سیاست قدرت با

تباهی همزاد و همراه می‌باشد و هر لحظه ممکن است که با ایجاد نخوت راه تباهی را بر زمامداران و اقتدار یافتگان بگشاید.

از همین منظر است که امام خمینی(ره) را یکی از اصلاحگران بزرگ حوزه‌های علمیه و بلکه بزرگترین آنها باید دانست و در کردار و گفتار مصلحانه او در باب حوزه‌ها و روحانیون تعمقی به شگرفی هرچه بیشتر نمود. منشور روحانیت که پیامی طولانی به روحانیون سراسر کشور از سوی حضرت امام در واپسین ماههای زندگانی ایشان است، یکی از مهمترین پیامهای ایشان و نیز از مهمترین منشورهای چندساله انقلاب به شمار می‌آید که به‌نوعی باید آن را فصل‌الخطاب آسیب‌شناسی حوزه‌های دینی دانست. مقاله حاضر به تشریح و تبیین این پیام تاریخی و شگفت می‌پردازد.



گذشت زمان، بسیاری از حوادث، دیدگاهها و نظریات را کهنه و کمرنگ می‌سازد و نگاهی به فرازونشیبهای تاریخی نشان می‌دهد که بخش بزرگی از رویدادها و تحولاتی که در زمان خود از جایگاه موثر و دامنه گسترده‌ای برخوردار بودند، به‌تدریج از محل توجه و اعتبار ساقط گردیده و در زیر غبار گذر زمان، بی‌رنگ و بی‌اثر شده‌اند. با این وجود، البته رویدادها و دیدگاههایی نیز یافت می‌شوند که نه تنها چنین تاثیری را از گذشت زمان نمی‌پذیرند، بلکه هر روز بیش از پیش، نقش واقعی‌شان هویدا می‌گردد و در محک تجربه نسلها و عصرهای بعد، جایگاه و اهمیت آنها هرچه بیشتر تثبیت و روشنی می‌یابد. گذشته از پیامهای آسمانی و حقایق بلندی که از طریق وحی در اختیار انسانها قرار گرفته و پس از سده‌ها و هزاره‌ها، همچنان مخاطبان بیشتری یافته است، بوده‌اند فرزندان برجسته بشری که دیدگاهها و آموزه‌های آنان نیز کم‌وبیش از غبار کهنگی مصون مانده است. یکی از این فرزندان که نسل ما از توفیق درک حضور او برخوردار شد و سرمشقهای فراوانی از او آموخت، حضرت امام خمینی(ره) است. او پایه‌گذار چرخشی عمیق و گسترده در جان و جهان ما بود و حجاب ضخیم ناشی از تحریف و تحجر را از چهره نورانی اسلام ناب برگرفت و ریشه‌های کهن ظلم و ظلمت را در پرتو احیاء دین حق در جامعه ما برکند و پیام بعثت خاتم(ص) را برای جهان معاصر بازخوانی کرد. حقیقتاً برخی از پیامها و آموزه‌های حضرت امام(ره)، چنان پرنکته و عمیق است

که امروز، اعتبار و ارزش آنها اگر افزایش نیافته باشد، قطعاً کاهش هم نیافته است. اما غفلت و عبور سطحی از این پیامها و آموزه‌ها و دچار آمدن نخبگان و اندیشمندان به روزمرگیها و هیاهوهای معمول و متداول، مجال تأمل و درنگ در آنها را از جامعه سلب می‌کند و اجازه نمی‌دهد که حکمت الهی و چاره‌ساز آن فرزانه بی‌نظیر معاصر، در متن ذهن و زندگی ما نهادینه و ریشه‌دار گردد. از این رو بازخوانی و بازکاوی اندیشه‌های امام راحل از خلال این پیامها و تحلیلها، امری ضروری به‌نظر می‌رسد؛ چراکه زمانه ما سخت بدان نیاز دارد و تلاش برای کاربردی کردن این اندیشه‌ها، می‌تواند راه شکل‌گیری و بازآفرینی تمدن نوین اسلامی را هموار سازد.

سوم اسفند ماه سال ۱۳۶۷، تاریخی است که در ذیل یکی از پیامهای مهم و پرنکته امام(ره) و در کنار امضای ایشان مشاهده می‌شود. به قطع نمی‌توان گفت که صدور این پیام در این تاریخ معین، اتفاقی بوده یا حساب شده، اما به‌هر حال ولو اتفاقی هم بوده باشد، اتفاق جالبی به‌نظر می‌آید؛ چراکه از سویی در سوم اسفند (حوت) ۱۲۹۹ ش بود که دور جدیدی از دخالتهای بیگانگان در سرنوشت جامعه و کشور ما رخ داد. که با شیوای نو و در پوشش اقدام برای تأمین امنیت و پیشرفت کشور، با طراحی دولت بریتانیا و کارگزاران داخلی آن در قالب یک کودتا شکل گرفت و به استقرار دیکتاتوری پهلویها و انزوای فرهنگ ملی و ارزشهای الهی ما انجامید و از سوی دیگر، محتوای اصلی این پیام نیز به‌گونه‌ای عوامل و شرایط فکری، سیاسی و اجتماعی‌ای را مورد بازکاوی و ریشه‌یابی قرار می‌دهد که در واقع زمینه‌ساز وقوع این رویداد شوم در سوم حوت آن سال (۱۲۹۹ ش) به شمار می‌آیند. لذا می‌توان گفت این پیام، هشدار برای پیشگیری از تکرار چنان رویدادی در آینده دور یا نزدیک این مرز و بوم بوده است.

مخاطب این پیام، «روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و ائمه جمعه و جماعات» هستند؛ یعنی همان قشری از جامعه که گرچه ریشه در تاریخ هزار و چهارصدساله پس از اسلام دارند، اما کناره‌گیری بخش عظیمی از آنها از عرصه سیاست و جامعه و فقدان یا ضعف احساس وظیفه‌ای جدی در این عرصه - در اندازه‌ها و سطوح متفاوت - میدان را برای تاخت‌وتاز حاکمان قلدرماب و نفوذ بیگانگان فراهم ساخت. حضرت امام(ره) پیام خود را در تاریخی صادر می‌کردند که حدود هفتادسال از آن توطئه شوم حوت ۱۲۹۹ می‌گذشت اما صرفاً پس از سپری کردن دورانهای



پیش از صدور این پیام صادر شده بود - بازتاب گسترده‌ای یافت و مورد توجه و تحلیل نخبگان و آگاهان جامعه قرار گرفت.

بنظر می‌رسد جز بخشهایی از این پیام که ناظر به اهمیت و نقش دفاع مقدس و دوران هشت‌ساله جنگ تحمیلی است و در آن شرایط ذکر این مسائل برای رفع ابهامها و از بین بردن برخی تردیدها و تشکیکها درباره عملکرد نظام در این عرصه ضرورت می‌یافت. بخش مهم و اصلی پیام همان است که هنوز به درستی و عمیق خوانده نشده و مخاطبان اصلی آن، (روحانیون و حوزه) توجه بایستهای را که انتظار می‌رود بدان مبذول نداشته‌اند.

مخاطب رسمی این پیام، حوزه‌های علمیه و روحانیت است ولی مراکز و دستگاههای فرهنگ ساز و رسانه‌های موثر - که در آگاهی‌بخشیدن و ارتقاء قدرت تحلیل اجتماعی و فرهنگی جامعه نقش بی‌بدیلی ایفا می‌کنند - نیز در شمار مخاطبان این پیام قرار می‌گیرند؛ چراکه بدون تصحیح و تعمیق نگرش جامعه نسبت به روحانیت و رشد باور و اطمینان توده‌های مردم، به ویژه نسل آینده، به این پایگاه اصیل و استوار اسلام ناب و نیز بدون تقویت قدرت تشخیص سره از

درباره روحانیت و حوزه‌ها و نیز حاوی فهرست دغدغه‌ها و نگرانیهای ایشان درباره این قشر موثر جامعه دانست؛ کما آنکه به درستی نیز عنوان «منشور روحانیت» به خود گرفت و در عداد مهم‌ترین پیامهای امام درآمد. امام در این پیام آخرین توصیه‌ها و هشدارها را به نسلهای آینده حوزه‌ها و روحانیت ابلاغ می‌کند و حاصل تجربیات طولانی و دشوار خود را در برابر گرایشها و لایه‌های انحرافی، وابسته، متحجر و مقدس‌نمای حوزه‌ها در اختیار آنان قرار می‌دهد. در آن زمان هیچ تصور نمی‌شد که در فاصله صد روز پس از صدور این پیام، امام بزرگوار رحلت خواهد کرد و دشوارتر از آن، پیش‌بینی این احتمال بود که یک ماه پس از صدور این پیام، قائم‌مقام رهبری عزل گردد. در حقیقت حضرت امام (ره) برای پیشگیری از وقوع آسیبهای پیش‌بینی شده در این پیام، اقدام به ظاهر تلخی را انجام می‌دهد تا تضمینی برای حفظ و سلامت آینده نظام و جهت‌گیریهای اصولی و انقلابی آن باشد. ضمن آن که در همان زمان نیز انتشار این پیام بسیار مهم تلقی شد و همچون پیام امام به گورباچف و حکم امام درباره سلمان رشدی - که در فاصله کوتاهی

سخت و دشوار خودسازی، تجربه و تلاش مبارزاتی و اجتماعی بود که حاکمیت مردمی و دینی برخاسته از انقلاب در جامعه قابلیت استقرار یافت و ریشه‌های استبداد داخلی و نفوذ استعماری بیگانه برکنده شد و لذا جهت‌گیری پیام امام بسیار حساب شده و آگاهانه می‌نماید؛ چراکه قشر مخاطب این پیام و نیز جامعه، اگر به غفلتها و آسیبهایی که این قشر در معرض آن هستند توجه نکنند، چه‌بسا بازهم زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی توطئه‌هایی از نوع کودتای سیاه ۱۳۹۹ فراهم شود و حاصل همه مجاهدتها، شهادتها و افتخارآفرینیهای روحانیت و حوزه‌ها، به مصادره دیگران درآید و مسیر استقلال، آزادی، مردم‌سالاری دینی و پیشرفت همه‌جانبه کشور، دچار تحریف و انحراف گردد. در واقع، بیان امام خمینی (ره) که تصریح می‌کنند «حال بحث این است که برای جلوگیری از تکرار آن حوادث تلخ و رسیدن به اطمینان از قطع نفوذ بیگانگان در حوزه‌ها چه باید کرد؟»، این حدس را تقویت می‌نماید که انتخاب سوم اسفند برای صدور این پیام، چندان هم اتفاقی نبوده است. این پیام را می‌توان چکیده تحلیل و دیدگاه امام (ره)

ناسره و روحانی اصیل از روحانی‌نما در آحاد جامعه هرگز نمی‌توان زمینه‌های آسیبها و نگرانیهای مذکور در این پیام را از میان برداشت. به تعبیر امام(ره)، «گرچه کار مشکل است، ولی چاره چیست؟ باید فکری کرد» و همه نهادها، دستگاهها و شخصیت‌هایی که موظف به چاره‌اندیشی برای رفع کاستیها و آسیبها هستند، قاعدتاً در شمار مخاطبان این پیام به حساب می‌آیند.

نکات اصلی و محوری پیام

الف - جایگاه و نقش علمی و اجتماعی روحانیت
یادآوری نقش برجسته حوزه‌های علمیه و علمای متعهد در طول تاریخ اسلام و تشیع، نخستین محور مهم

در هر عصری از اعصار برای دفاع از مقدسات دینی و میهنی خود مرارتها و تلخیهایی متحمل شده‌اند و همراه با تحمل اسارتها و تبعیدها، زندانها و اذیت و آزارها و زخم‌زبانها، شهداء گرانقدری را به پیشگاه مقدس حق تقدیم نموده‌اند... در هر نهضت و انقلاب الهی و مردمی علمای اسلام اولین کسانی بوده‌اند که بر تارک جبینشان خون و شهادت نقش بسته است... علماء اصیل اسلام هرگز زیر بار سرمایه‌داران و پول‌پرستان و خوانین نرفته‌اند... روحانیت متعهد، به خون سرمایه‌داران زالوصفت تشنه است و هرگز با آنان سرآشتی نداشته و نخواهد داشت.»
باتوجه به همین نقش و جایگاه علمی و اجتماعی است که به تعبیر امام(ره)، «راستی اگر کسی فکر کند که

■■■ پیام صادره از سوی امام خمینی(ره) در سوم اسفند ۱۳۶۷ که «خدمت حضرات روحانیون سراسر کشور و مراجع بزرگوار اسلام و مدرسین گرامی و طلاب عزیز حوزه‌های علمیه و ائمه محترم جمعه و جماعات دامت برکاتهم» صادر و ابلاغ شده است، حاوی نکات مهم، هشدارهای اساسی و تحلیلهای ظریفی است که نگاه امام راحل(ره) را نسبت به گذشته، امروز و فردای حوزه‌های علمیه و روحانیت، به اجمال و اختصار ترسیم می‌نماید

استعمار، روحانیت را با این همه مجد و عظمت و نفوذ، تعقیب نکرده و نمی‌کند. ساده‌اندیشی نیست؟»

ب - افشاء و طرد روحانیون وابسته و متحجر:

توجه و تاکید بر نقش برجسته و جایگاه موثر حوزه‌های علمیه و روحانیت، مانع از آن نیست که واقعیت‌های تلخ و جریانهای منحرف و یا اشخاص وابسته به بیگانگان که در میان حوزه‌ها و روحانیان نفوذ می‌کرده‌اند، نقد و طرد شوند و لذا حضرت امام(ره) پس از بیان ویژگیهای مثبت و خدمات شایان روحانیت، می‌گویند: «البته این بدان معنی نیست که ما از همه روحانیون دفاع کنیم؛ چراکه روحانیون وابسته و مقدس‌نما و تحجرگرا هم کم نبودند و نیستند در حوزه‌های علمیه.» در واقع باید گفت: امام راحل(ره) و دیگر چهره‌های برجسته و شاخص عرصه‌های دانش، مجاهدت و پارسایی - که همواره نمادهای حقیقی حوزه‌ها و روحانیت بوده‌اند - بیش از دیگران به تبیین و افشای نقش مخرب و بازدارنده جریانهای انحرافی و اشخاص منحرف در مراکز حوزوی و کسوت روحانیت پرداخته‌اند و با تعابیر تند و صریح، حساب آنان را از حوزه‌ها و روحانیت اصیل و متعهد جدا کرده‌اند. در این پیام نیز این تفکیک و تبیین به‌صراحت مورد تاکید قرار گرفته است؛ زیرا به همان اندازه که روحانیت پاک‌باخته و پارسا در هدایت مردم و حراست از کیان استقلال و سربلندی جامعه نقش داشته است، کژاندیشان، ساده‌لوحان و منحرفان روحانی‌نما هم در انحراف توده‌ها و بازکردن راه مستبدان و استعمارگران - به عنوان یک

این پیام می‌باشد که این یادآوری، در واقع پاسخی است به یک پرسش مهم مبنی بر این که ضرورت و کارکرد نهاد روحانیت و حوزه‌های علمیه چیست و چه عوامل و دلایلی استمرار این نهاد دینی را توجیه و تبیین می‌کند؟ در این راستا، حضرت امام(ره) به جایگاه و نقش بارز حوزه‌های علمیه در عرصه علمی و اجتماعی - البته به اجمال و اختصار - اشاره می‌کنند: «تردید نیست که حوزه‌های علمیه و علماء متعهد در طول تاریخ اسلام و تشیع، مهم‌ترین پایگاه محکم اسلام در برابر حملات و انحرافات و کجروی‌ها بوده‌اند. علماء بزرگ اسلام در همه عمر خود تلاش نموده‌اند تا مسائل حلال و حرام الهی را بدون دخل و تصرف ترویج نمایند. اگر فقهاء عزیز نبودند معلوم نبود امروز چه علمی به‌عنوان علوم قرآن و اسلام و اهل بیت علیهم‌السلام به خورد توده‌ها داده بودند. جمع‌آوری و نگهداری علوم قرآن و اسلام و آثار و احادیث پیامبر بزرگوار و سنت و سیره معصومین علیهم‌السلام و ثبت، تبویب و تنقیح آنان... کار آسانی نبوده است.»

ایشان ضمن اشاره به دشواریهای فراوان و امکانات اندکی که برای این مجاهدت و تلاش علمی فراهم بوده، شاخه‌های متعدد علمی - فقه فلسفه، ریاضیات، نجوم، اصول، کلام، حدیث، رجال، تفسیر، عرفان، ادبیات و... - را که حوزه‌های علمیه و علماء متعهد بدان پرداخته‌اند نام می‌برند و نتیجه می‌گیرند که طریقه علمای سلف برای بررسی عمیق و همه‌جانبه علوم اسلامی باید استمرار یابد. جایگاه و نقش اجتماعی روحانیت مساله دیگری است که حضرت امام(ره) به آن می‌پردازند: «صدها سال است که روحانیت اسلام تکیه‌گاه محرومان بوده است... آنان

آلت و ابزار - تاثیر منفی و تخریبی داشته‌اند. از همین رو، هشدار امام(ره) را باید جدی گرفت و از سوءاستفاده‌های پیچیده و حساب‌شده از عنوان و سلک روحانیت - برای نفوذ در جامعه و فریب مردم - غافل نشد؛ چراکه دشمن شکست خورده، با هوشیاری و حيله‌گری در صدد جبران شکستهای خویش است و برای این منظور، سنگرهای مقاوم و قدرتمند جامعه را بیش‌ازهرچیز هدف قرار می‌دهد: «آن قدر که اسلام از این مقدسین روحانی‌نما ضربه خورده است، از هیچ قشر دیگر نخورده است... ولی طلاب جوان باید بدانند که پرونده تفکر این گروه همچنان باز است و شیوه مقدس‌مآبی و دین‌فروشی عوض شده است...»

امام با ذکر نمونه‌هایی از نفوذ بیگانگان در ذهنیت و فرهنگ حوزه‌ها، مهم‌ترین حرکت استعماری را القاء شعار جدایی دین از سیاست می‌دانند و هشدار می‌دهند که این حربه در حوزه و روحانیت تا اندازه‌ای کارگر شده است: «هنوز حوزه‌ها به هر دو تفکر آمیخته‌اند و باید مراقب بود که تفکر جدایی دین از سیاست، از لایه‌های تفکر اهل جمود به طلاب جوان سرایت نکند.»

دشمنان اسلام و روحانیت، گاه نعل وارونه هم می‌زنند و در قالب دفاع از دین و روحانیت و برای حمایت از روحانیان متخلف و منحرف، گاه نظام را متهم می‌کنند که به روحانیت امتیاز می‌دهد و گاه نیز آن را متهم می‌کنند که آبروی روحانیت را می‌برد! لذا حضرت امام(ره) هوشیارانه می‌گوید: «بالبینکه در کشور مادر اجرای عدالت بین روحانی و غیران امتیازی نیست، ولی وقتی با متخلفی از روحانیت خوش سابقه یا بدسابقه برخورد شرعی و قانونی می‌شود، فوراً باندها فریاد می‌زنند که چه نشسته‌اید جمهوری اسلامی می‌خواهد آبروی روحانیت را ببرد. اگر احیاناً کسی مستحق عفو بوده و بخشیده شود تبلیغ می‌کنند که نظام به روحانیت امتیاز بی‌جا می‌دهد.» ایشان وجود جریانهای انحرافی و اشخاص منحرف را «نتیجه نفوذ بیگانگان در جایگاه و در فرهنگ حوزه‌ها» می‌دانند و ضمناً برخورد واقعی با این خطر را «بسیار مشکل و پیچیده» ارزیابی می‌کنند، اما نه تنها روحانیان، بلکه مردم را هم برای پیشگیری از سوءاستفاده‌ها، به «مواظبت» فرامی‌خوانند.

ویژگیهای برجسته‌ای که در این پیام برای روحانیان اصیل، متعهد و وظیفه‌شناس بر شمرده شده، باید ملاک و شاخص تشخیص و تفکیک اشخاص منحرف از جریان اصلی و اصیل حوزه‌ها و روحانیت قرار گیرد: قناعت، شجاعت، صبر، زهد، عدم تعلق به تجملات دنیا، عدم وابستگی به قدرتها، احساس مسئولیت در برابر توده‌ها، پرهیز از تقدس‌نمایی و تحجرگرایی، احاطه به مسائل زمان و آشنایی با مسائل سیاسی، بصیرت و توجه به حیلها و تزویرهای فرهنگ حاکم بر جهان و همچنین پایبندی و وفاداری به سیره علمی و عملی سلف صالح و فقه جواهری و... از دیدگاه حضرت امام(ره) جریان

اصیل روحانیت همواره از این ویژگیها برخوردار بوده و همین عامل توانسته است نقش و تاثیرگذاری روحانیت را در طول تاریخ تشیع، به نقشی بی‌بدیل تبدیل سازد. لذا اکنون و در آینده نیز باید همین ویژگیها سرمشق عملی حوزه‌های علمیه برای استمرار و تعمیق جریان علمی و تربیتی حوزه‌ها باشد؛ تا آینده حرکت سرنوشت‌ساز انقلاب اسلامی و سلامت نظام جمهوری اسلامی تضمین و تامین گردد و رگه‌ها و لایه‌های انحرافی، وابسته، تاجرگرا و ساده‌لوح نتوانند جایگاه اصلی روحانیت را در جامعه اشغال نمایند.

ج- آسیبها و چالشها:

بخش اساسی و عمده پیام، در واقع به یادآوری و هشدار نسبت به آسیبها، اشکالات و آفاتی می‌پردازد که حوزه‌ها و روحانیت اصیل و متعهد، باید نسبت به آن هوشیار و حساس بوده و ضمن پرهیز خود از این آسیبها مراقب نفوذ برخی دیدگاهها و تلقیهای نادرست به ذهن و فرهنگ حوزه‌ها و به‌ویژه طلاب جوان باشند. برخی از این موارد، چالشهایی است که چه‌بسا در قالبهای فریبنده و دنیاپسند و یا به بهانه‌های مقدس‌مآبانه مطرح می‌شود، در حالی که غایت آنها تهدید روحانیت است.

این آسیبها و آفتها - که به‌صراحت در متن این پیام به آنها اشاره شده - به قرار زیر می‌باشد:

- ۱- غرق شدن حوزه‌ها در احکام فردی و عبادی و غفلت از احکام اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اسلام.
- ۲- پذیرفتن تز عدم دخالت روحانیان در سیاست.
- ۳- تلقی منفی درباره زیرکی، کاردانی و سیاسی‌بودن عالمان و روحانیان.
- ۴- تقدس‌نمایی و فضیلت‌شمردن ظواهر و مظاهر گوشه‌نشینی و انزوی اجتماعی.

۵- فاصله گرفتن از دانشها و علوم غیررایج در حوزه‌ها از قبیل فلسفه، عرفان، یادگیری زبان خارجی و ... و حتی کفرشمردن این شاخه‌های علوم. (که خوشبختانه امروز این مصادیق در جو غالب حوزه‌ها مطرح نیست، ولی اصل مساله در مصادیقی متفاوت با دورانی که امام(ره) از آن یاد می‌کنند، در برخی سطوح و لایه‌ها، همچنان وجود دارد.)

۶- سرایت تفکر اهل جمود به طلاب جوان حوزه‌ها. با توجه به این که امام(ره) هنوز حوزه‌ها را آمیخته به هر دو تفکر - تفکر ناب دینی و تفکر متحجرانه - می‌داند، این آسیب را جدی و تهدیدکننده ارزیابی می‌نماید؛ که البته تا حدودی در برخی سطوح ترمیم یافته، اما هنوز کماکان در اشکال و قالبهای گوناگون خود را نشان می‌دهد.

۷- اختلاف در میان روحانیان متعهد و اصیل، در قالب جناح‌بندیهای سیاسی و یا در میان طلاب جوان و روحانیون پرسابقه از دیدگاه امام، گرچه اختلاف سلیقه، نقد و اشکال به

عملکردها و مدیریتها و ... اشکالی ندارد و چه‌بسا مفید و اجتناب‌ناپذیر هم باشد، ولی در عین حال نباید صف واحد روحانیان انقلابی و اصیل را دچار شکاف نماید؛ چراکه در این صورت زمینه را برای توفیق دشمن فراهم خواهد کرد.

۸- نفوذ بیگانگان در جایگاه و در فرهنگ حوزه‌ها.

۹- فراموش کردن و غفلت از اهداف کلی و بلندمدت و محصور شدن در امکانات موجود، به‌خاطر محدودیتها و شرایطی که تحقق آن آرمانها و اهداف را در ظرف زمانی موجود غیرممکن نشان می‌دهد.

۱۰- توجه به نتیجه و عدول از تکلیف. به تعبیر امام(ره) «همه ما مامور به ادای تکلیف و وظیفه‌ایم، نه مامور به نتیجه».

گرچه این نگاه - به معنی درست و دقیق آن - در کل جامعه و به‌ویژه در مدیران و مسئولان باید ریشه‌دار و نهادینه گردد، ولی برای روحانیان و حوزه‌ها که عهده‌دار تربیت دینی و هدایت فکری جامعه‌اند، تضعیف این اصل آفتی مهم شمرده می‌شود و روحانیت اصیل را دچار مصحلت‌اندیشیهای نابجا می‌سازد.

۱۱- عدم باور و اعتماد به مسئولان و مردم و نیز تلقی جدانشدن مردم از روحانیان متعهد و اصیل و یا ناتوانی مسئولان انقلابی و متعهد.

۱۲- فراموش کردن خیرات و انحرافات فکری کسانی که به ظاهر «عقلای قوم» تلقی می‌شوند و ساده‌اندیشی درباره جریانها و اشخاص منحرف، که زمینه نفوذ آنان را فراهم خواهد ساخت.

۱۳- اعتماد به گروههای سیاسی و لیبرالها ... که نه دغدغه احکام و ارزشهای الهی، بلکه انگیزه قدرت‌طلبی و اندیشه‌های انحرافی، جهت‌گیریهای اصلی آنان را تشکیل می‌دهد.

۱۴- تاثیرپذیری از القانات روحانی‌نماها و مقدس‌مآبها که با بزرگ‌نمایی برخی اشکالات یا تکرار

۱۶- تخلف از فقه سنتی و اجتهاد جواهری

از دیدگاه امام(ره) شیوه اجتهاد و توجه به میراث عظیم علمی و فکری علمای سلف، سرمایه گرانقدری است که نباید تحت تاثیر برخی نقدها و القانات، کم‌رنگ شود و در عین دخالت شرایط و اقتضات زمان و مکان در اجتهاد و استنباط احکام شرعی، چارچوبها و اصول متقن فقهی نباید مخدوش گردد. درحقیقت پویایی فقه در گرو رعایت این اصل است و لذا تخلف از فقه جواهری تهدیدی علیه حوزه‌های علمیه می‌باشد. «فقه جواهری» همان اجتهاد روشمند، اصیل و پویایی است که نمونه بارز آن در روش علمی نویسنده محقق و مجاهد کتاب «جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام»، مرحوم آقا شیخ محمدحسن نجفی (متوفای ۱۲۶۶ ق.)، به چشم می‌خورد و امام راحل(ره)، آن را الگوی روش فقهی حوزه‌ها برمی‌شمارند.

۱۷- بی‌توجهی به پرسشها و عدم پاسخ به معضلات جامعه.

۱۸- بی‌توجهی به علل خارجی مشکلات و دشواریها و برگرداندن همه اشکالات به جبهه خودی. گرچه امام راحل(ره) به اشکالات و کاستیهای داخلی توجه دارند، ولی غفلت از توطئه‌های قدرتهای سلطه‌گر را - که برای نابودی اسلام کمر همت بسته‌اند - در تحلیل و بررسی مسائل جامعه، یک آسیب می‌دانند.

۱۹- مطلق‌انگاشتن اصول و قوانین دیپلماسی و عدول از آرمانها به‌خاطر آن.

امام(ره) با اشاره به جنجالی که در پی صدور حکم اعدام سلمان رشدی برپا شد و جمهوری اسلامی ایران متهم به نقض اصول دیپلماسی گردید، تصریح می‌کنند: «ما باید بدون توجه به غرب حیل‌گر و شرق متجاوز و فرار از دیپلماسی حاکم بر جهان، درصدد تحقق فقه عملی اسلام برآییم...»

۲۰- غفلت از نیازها و تحولات آینده

■ ■ ■ امام با ذکر نمونه‌هایی از نفوذ بیگانگان

در ذهنیت و فرهنگ حوزه‌ها، مهم‌ترین حرکت استعماری را القاء شعار جدایی دین از سیاست می‌دانند و هشدار می‌دهند که این حربه در حوزه و روحانیت نااندازه‌ای کارگر شده است:

«باید مراقب بود که تفکر جدایی دین از سیاست، از لایه‌های تفکر اهل جمود به طلاب جوان سرایت نکند.»

از دیدگاه امام(ره)، «حوزه‌ها و روحانیت باید نبض تفکر و نیاز آینده جامعه را همیشه در دست خود داشته باشند و همواره چندقدم جلوتر از حوادث، مهیای عکس‌العمل مناسب باشند.»

۲۱- کناره‌گیری از مسئولیتهای اجتماعی و نپذیرفتن کارهای قضایی و اجرایی و شانه‌خالی کردن از خدمت به نظام و مردم در مواردی که لازم است.

برخی شایعات، اصل نظام را زیر سوال می‌برند و آب به آسیاب دشمن می‌ریزند. (این، یکی از ابعاد همان آسیبی است که استاد مطهری(ره) به‌عنوان «عوام‌زدگی» مطرح نموده و امروز مصادیق پیچیده‌تری پیدا کرده است.)

۱۵- ترحم بی‌جا و بی‌مورد نسبت به دشمنان اسلام و مخالفان و متخلفان نظام.



امام راحل(ره) تصریح می‌کنند که «روحانیون و علماء و طلاب باید کارهای قضایی و اجرایی را برای خود یک امر مقدس و یک ارزش الهی بدانند... اگر امروز به نظام خدمت نکنیم و استقبال بی‌سابقه مردم از روحانیت را نادیده بگیریم، هرگز فرصت و شرایط بهتر از این را نخواهیم داشت.» ایشان نپذیرفتن منصبیهای خالی امامت جمعه یا قضاوت را به بهانه درس و بحث - برای کسی که قدرت و توان آن را دارد - غیرموجه و موجب مؤاخذه الهی می‌دانند.

آنچه برشمرده شد، فهرست‌گونه‌ای از آسیبها و تهدیدهایی بود که حضرت امام(ره) در پیام مهم خود مطرح کرده‌اند. برخی از این آسیبها، اختصاص به روحانیت و حوزه‌ها ندارد و همه افشار جامعه را خطاب قرار می‌دهد و برخی نیز آسیبهایی است که از فرهنگ غلط و برداشتهای ناصحیح بخشی از جامعه درباره نقش و رسالت حوزه‌ها ناشی می‌شود؛ که البته حوزه‌ها، روحانیان متعهد و امامان جمعه و جماعت می‌توانند نقشی بسیار موثر برای زدودن این برداشتهای ذهن جامعه ایفا کنند.

بخش قابل توجهی از این هشدارها و تذکرات، برای مراکز برنامه‌ریزی و مدیریت حوزه‌ها تکلیف‌ساز و تعهدآفرین است. بازنگری و اصلاح نظام تربیتی و آموزشی حوزه‌های علمیه و بازکاوی و بررسی ریشه‌های فکری و فرهنگی برخی از این آسیبها برای مقابله و چاره‌اندیشی اساسی و ریشه‌ای، کاری است که هنوز، چنانکه باید، مورد توجه قرار نگرفته‌است. اصلاح نگرش جامعه نسبت به حوزه‌ها و زدودن

سطحی‌نگری و ظاهرپینی در این باب و نیز تقویت پیوند منطقی و ارتباطات مفید و سازنده با افشار گوناگون جامعه، به‌ویژه نخبگان دانشگاهی و جوانان دانشجو، کارهایی است که به تامل و تدبیر عالمان متعهد و حوزه‌های علمیه و نیز همکاری و همراهی دستگاه‌ها و مراکز فرهنگی و هنری و نهادها و مراکز رسانه‌ای نیاز دارد. در کنار همه این موارد، باید گفت: ضامن اصلی پیشگیری از این آسیبها و عامل موثر مقابله با آنها توسعه، تعمیق و تقویت خودسازی علمی، اجتماعی و اخلاقی حوزه‌ها و روحانیت است.

نتیجه

پیام صادره از سوی امام‌خمينی(ره) در سوم اسفند ۱۳۶۷ که «خدمت حضرات روحانیون سراسر کشور و مراجع بزرگوار اسلام و مدرسین گرامی و طلاب عزیز حوزه‌های علمیه و ائمه محترم جمعه و جماعات دامت برکاتهم» صادر و ابلاغ شده است، حاوی نکات مهم، هشدارهای اساسی و تحلیلهای ظریفی است که نگاه امام راحل(ره) را نسبت به گذشته، امروز و فردای حوزه‌های علمیه و روحانیت، به اجمال و اختصار ترسیم می‌نماید. در این پیام، گرچه دفاع از عملکرد نظام جمهوری اسلامی ایران در دهه اول انقلاب و به‌ویژه تبیین حقانیت نظام و مسئولان آن در اتخاذ تدابیر و استراتژی مناسب در دوران دفاع مقدس، یکی از محورهای مهم آن است، ولی جایگاه علمی، تربیتی، اجتماعی و سیاسی روحانیت اصیل و آسیبها و چالشهای تهدیدکننده

آن، رویکرد اصلی پیام را تشکیل می‌دهد. بنابراین بازخوانی این پیام هیجده صفحه‌ای و بازکاوی نکات و ظرائف فراوان و دقیق آن، نه تنها برای مخاطبان مستقیم بلکه برای نخبگان و مسئولان جامعه و افشار تاثیرگذار، امری لازم به‌نظر می‌رسد؛ به‌ویژه آن که گذشت شانزده سال از صدور این پیام و تحقق برخی پیش‌بینیهای امام راحل و درستی نگرش عمیق و آینده‌نگرانه ایشان به مسائل مبتلا به جامعه، آگاهی و باور نسل امروز را درباره راه و نگاه امام‌خمينی(ره) مضاعف خواهد ساخت و مهم‌تر از همه، مراجع بزرگوار، مدرسین گرامی، طلاب عزیز و همه سطوح و آحاد روحانیت اصیل را نسبت به رسالت خطیری که در مواجهه با چالشها و پیشگیری آسیبها و یا در راستای علاج و چاره‌اندیشی برای آسیبهای تحقق‌یافته بر عهده دارند، حساس و انگیزه‌مند خواهد ساخت. گرچه چاره‌اندیشی برای برخی از این چالشها و آسیبها، مشکل و پیچیده است، اما مسلماً هیچ مساله مهمی با فراموش کردن آن، حل نخواهد شد. بنابراین تامل در این پیام و حضور ذهنی یافتن نسبت به آن در فضای فکری و فرهنگی روحانیت و حوزه‌ها، گام نخست و حداقلی است که یادآوری و تاکید بر آن - به هر مناسبتی - ضروری است؛ «و ذکر فان الذکری تنفع المومنین.» ■

پی‌نوشت

- همه نقل‌قولهای این مقاله از متن پیام ۶۷/۱۲۳ امام راحل(ره) اخذ شده است. رک: صحیفه امام، ج ۲۱، محاسبه تنظیم و نشر آثار امام‌خمينی، ۱۳۷۸، صص ۲۹۳، ۲۷۳ و نیز رک: امام‌خمينی، منشور روحانیت، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام‌خمينی(ره)، ۱۳۷۶ (حاوی متن دستنویس پیام).